PROPERTY OF ACKU

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



موضوع صلح تنها مربوط شورای عالی صلح و یا دولت افغانستان نیست. این وظیفهٔ فرد فرد مردم افغانستان می باشد که در این راستا کوشش کنند.

از فرموده های استاد شهید

دور ششم - سال یازدهم - شمارهٔ (۲۶) ۸ میزان ۱۳۹۱ ۱۳ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۳ - 29 September 2012

در کنفرانس بین المللی نخستین سالگرد شهادت استاد برهان الدین ربانی و هفتهٔ صلح و وحدت ملی؛

سخنرانان به صلح پایدار تأکید نمودند



* نذرالله عنایت

روز شنبهٔ گذشته تاریخ اول میزان سال روان کنفرانس بین المللی به مناسبت سالگرد شهادت استاد ربانی، شهید راه صلح و وحدت ملی افغانستان با حضورداشت مقامات بلند رتبهٔ دولتی، رهبران جهادی، نمایندگان ۳۰ کشور جهان، جامعهٔ مدنی، احزاب سیاسی و خبرنگاران داخلی و خارجی در هوتل سرینا کابل برگزار گردید.

هدف از راه اندازی این سمینار یاد بود از شخصیت صلحجویانهٔ استاد شهید، نخستین رئیس شورای عالی صلح و تلاش بر ادامهٔ روند گفتگوها با مخالفان مسلح، ایجاد فرصت ها برای بررسی وضعیت در افغانستان، منطقه و راه اندازی بحث عمیق و مشترک در مورد چالش ها و موانع در راستایی دست یابی به تأمین ثبات پایدار در کشور خوانده شد.

سمینار با تلاوت آیات ملکوتی و با نواختن سرود ملی افتتاح گردید و سپس داکتر فاروق وردک وزیر معارف و رئیس کمیسیون برگزاری نخستین سالگرد شهادت استاد شهید و گرامیداشت از هفتهٔ صلح و وحدت ملی به سخنرانی پرداخت. او ضمن خوش آمدید به مهمان، هدف سمینار را تشریح نموده و راجع به شخصیت و جایگاه استاد ربانی در مسیر صلح و عدالت خواهی ملت مسلمان افغانستان توضیحات داد. آقای وردک افزود، **استاد شهید یک سال قبل از امروز مظلومانه ولی پایدار و با ثبات توسط دشمنان کوردل به شهادت رسید و ملت مجاهد افغانستان را به یکبارگی در سوگ و الم نشاند.** او افزود، استاد پربهاترین قیمتی را که در تاریخ امت مسلمه به ندرت دیده می شود در راه صلح و اعادهٔ ثبات در کشور پرداخته است.

وزیر معارف گفت: برگزاری این مجمع شاید راهکاری باشد که برای همیش بتواند دود و باروت و صدای فیر را در کشور ما خاموش سازد.

*

در کنفرانس بین المللی هفتهٔ صلح و وحدت ملی، مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول رئیس جمهور با بیان اینکه شاگردان استاد، راه وی را ادامه داده و افغانستان یک روز دارای ثبات کامل خواهد شد، اضافه کرد که ص۴

رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

ص۶



په افغانستان کې د چین د پانگونې نوې اراده

شفیق

چین د افغانستان هغه گاونډي هیواد دی چې د ډېر پراخه قلمرو او ډېر نفوس لرونکی دی: دغه هیواد چې د افغانستان شمال ختیځ لوري ته پروت دی او د هندوکش لوړې برخې یې زمونږ سره پوله جوړوي، په وروستیو څلورو لسیزو کې یې د افغانستان په سیاسي اوضاعو کې زمونږ د نورو گاونډیانو په څېر برېنده لاسوهنه او یا په ظریفانه تعبیر سره علاقمندي نه ده ښودلې. پداسې حال کې چې د دوهمې نړیوالې جگړې وروسته د رامینځته شوو زوروا کانو او ویټو لرونکو پنځو هیوادونو او هم دا مهال د اقتصاد په ډگر کې د پرمختللو هیوادونو د قطار په سر کې موقعیت لري.

که څه هم د پخواني شوروي اتحاد لخوا د افغانستان د ښکیلاک پر مهال له سړې جگړې څخه تودې جگړې ته د سیمې ورننوتلو په موده کې چین د شوروي اتحاد د نفوذ د مخنیوي لپاره په سیمه کې خپل استراتیژیک دوست پاکستان ته نږدې دریځ غوره کړ، پداسې حال کې چې شوروي او چین دواړه هیوادونه د شلمې پېړۍ د طوفاني فلسفي (خونړۍ سوسیالیزم) خپلوونکي هیوادونه وو: څکه که لینن او ستالین په تزاري روسیه کې او بیا پیروانو یې د اتحاد جماهیر شوروي په پراخه قلمرو کې د سوسیالیزم حاکمیت غوښته نو ماوزې تونگ دچیني کمونیزم مؤسس بیاپه چین کې کمونیزم پلي کاوه.

د چین ددغه دریځ عامل د پاکستان د هغه مهال د ولسي واکمن (صدر اعظم) ذوالفقار علی بوتو ۸ مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

افغانستان در دو آزمون پیش رو، بیشتر از پیش نیازمند صلح است

از آنجایی که صلح خواست و نیاز همه شهروندان کشور، منطقه و جهان است هفتهٔ گذشته که مصادف به روز جهانی صلح و شهادت شهید صلح استاد برهان الدین ربانی بود، جمهوری اسلامی افغانستان ۲۸ سنبله تا ۴ میزان را به نام «هفتهٔ گرامیداشت سالگرد شهادت رهبر جهاد و مقاومت، شهید صلح استاد برهان الدین ربانی و هفتهٔ صلح و وحدت ملی» نام گذاشت. در محافل و سمینارهای هفتهٔ شهید و هفتهٔ صلح و وحدت ملی، سخنرانان همه پیرامون صلح و ختم جنگ تأکید داشتند و طرح های گونه گون ارائه نمودند.

در سمینار بین المللی که روز شنبهٔ هفتهٔ گذشته در هوتل کابل سرینا برگزار شده بود، بررسی روی شخصیت شهید صلح استاد برهان الدین ربانی، نقش کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی و جامعهٔ جهانی در برقراری صلح و بهره گیری از تجارب بین المللی برای حل منازعات، محور اصلی آن سمینار را تشکیل می داد.

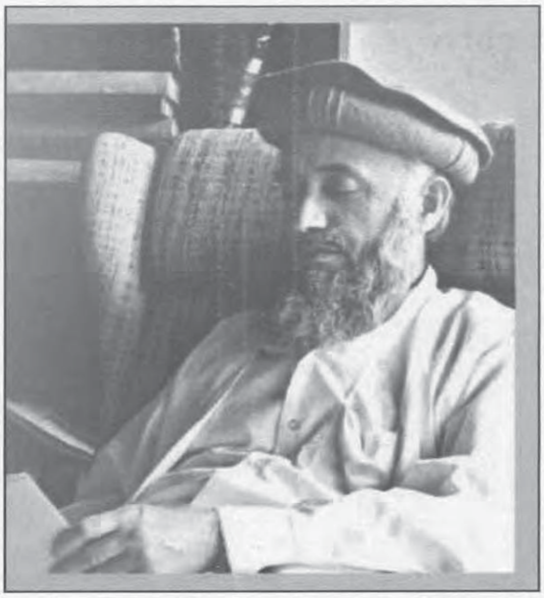
صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در این سمینار روی وحدت، یکپارچگی، ختم جنگ، صلح و مذاکره با مخالفین مسلح دولت صحبت نمود و در این جهت خواهان کمک کشورهای منطقه و جهان شد و در قسمتی افزود: «ما به عنوان کسانی که راه شهید را ادامه می دهیم نخست به مصالحه به عنوان یگانه راه رسیدن به صلح تأکید می کنیم و در گام نخست همانطور که استاد شهید معتقد بود ما نیز معتقد هستیم که صلح در افغانستان به کمک منطقه ای و جهانی نیاز جدی دارد و اگر این همکاری جدی صورت نگیرد این وضعیت تأسف بار ادامه دارد و وضعیتی که اکنون در اطراف ما حاکم است کم کم به مناطق دیگر هم پخش می شود.»

رهبری جمعیت اسلامی افغانستان که در رأس پروسهٔ صلح قرار دارد و رهبر فقید آن استاد برهان الدین ربانی در این راه به شهادت رسید صلح را نیاز جدی کشور و مردم می داند. جنگ ما در دوران جهاد و مقاومت و آنهمه تلاش های خستگی ناپذیر شهروندان کشور، آنهمه به شهادت رسیدن ها، معلول و معیوب شدن ها و مهاجرت ها، به خاطر تأمین صلح و ثبات در کشور بود. جنگ برای جنگ نه، بلکه جنگ برای تحکیم صلح در کشور بود.

در سال ۲۰۱۴ کشور و مردم ما در برابر دو آزمون کلان ملی قرار دارد یکی، خروج نیروهای خارجی و دیگری انتخابات دور سوم ریاست جمهوری. در حالی که جنگ، ناامنی و حملات انفجاری و انتحاری روز تا روز شدت می گیرد و راکت پراگنی ها از آنسوی خط دیورند، با وجود سروصداهای دولت و مردم افغانستان، ادامه دارد، هرگاه تا آن زمان نتوانیم به صلح دست یابیم، عواقب وخیمی در پی خواهد داشت. پس بر دولت، شورای عالی صلح، رهبران جهادی، احزاب سیاسی، جامعهٔ مدنی، متنفذین قومی، علمای کرام و همه اقشار کشور است تا در این امر خیر (صلح) همه دست به دست هم داده، کشور و مردم را از ناامنی و بی ثباتی نجات دهند.

تجارب تاریخی بیانگر این حقیقت است که؛

«تاریخ در دادن قهرمانان و نوابغ دست باز ندارد»



آنچه می خوانید سخنرانی پوهنمل سید عنایت الله شاداب عضو شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان است که به تاریخ ۲۹ سنبله در تالار لویه جرگه به مناسبت گرامیداشت از نخستین سالگرد شهادت شهید صلح استاد برهان الدین ربانی ایراد فرمودند:

الحمدلله والصلوه علی رسول الله و علی آله و اصحابه و من والاه

و بعد... حضار محترم و مهمانان بزرگوار: علما، استادان، مجاهدین، جوانان، خواهران و برادران... سلام و تحیات نثار همهٔ شما باد!

قبل از همه دوست دارم حضور گرم شما را در این همایش بزرگ که به مناسبت تجلیل از نخستین سالروز شهادت استاد تشکیل گردیده است خیر مقدم گویم.....

حضار گرانقدر! نبود استاد ربانی در نقش یک مفکر اسلامی یک دعوتگر واقع گرا و شخصیت برخاسته از متن درها و بحران های این کشور بدون شک برای ملت ما ضایعه ای است دردآور و جبران ناپذیر.

از جانب دیگر، تجارب تاریخی بیان گر این حقیقت است که " تاریخ در دادن قهرمانان و نوابغ دست باز ندارد" و به گفتهٔ استاد شهید در مراسم تدفین قهرمان ملی " قرن ها باید در انتظار نشست تا مادر گیتی مسعود دیگری زاید" . گرچه مادر گیتی از زادن قهرمانان عقیم نیست، ولی سده ها لازم است تا شخصیتی چون استاد عرض وجود کند.

اندیشه ای سیاسی استاد، در مرحله ای، به جوانه زدن و رشد و باروری قامت برافراشت که کشور آبستن بحران را سپری می کرد که بحران های پیاپی دیگری را به دنبال آورد، بنابر آن اندیشه سیاسی ای استاد را می توان " اندیشه مقابله با بحران و تشخیص ابزارهای بحران زدایی" نام داد. اندیشه ای که در تبلور چهره ای سیاسی استاد در میان اندیشمندان نقش مؤثری را ایفا نموده است.

چرا استاد گام های بلندی را در راه بحران زدایی از جمله با اقدام تاریخی خویش که همانا تحویل مسالمت آمیز قدرت است برداشت و شعار اعتماد سازی را در میان اقوام و طیف های مختلف سیاسی در فضای این کشور طنین انداز کرد.؟

پاسخ این پرسش را می توان در باورهای اسلامی استاد جُست که امنیت را زمینه ساز رشد و شگوفایی و توسعه در عرصه های مختلف زندگی قلمداد می کرد. باوری که خود استلهامی است از آیهٔ کریمه که می فرماید:" الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف". درین آیت دیده می شود که خداوند دستور عبادتش را به سیر کردن بندگانش و امنیت دادن به آنان از خوف توصیف نموده است.

آری! خواستگاه سیاست صلح جویانهٔ استاد را در مراحل مختلف مبارزاتی او در همین اصل می توان مطالعه کرد. .

بدون تردید ایمان به صلح و تفاهم و رد اندیشهٔ جنگ در زندگی زمینه ساز وجود امنیت گردیده و امنیت، زمینه ساز رشد استعداد های مادی و معنوی آحاد یک کشور می شود ، اما یک اصل را نباید فراموش کرد که گاهی می شود که شخصیت ها و ملت ها در پهلوی ایمان به اصل صلح برای تحقق مصالح کلان ملی خویش آمادهٔ فداکاری شده و ملت را به بسیج فرا می خوانند.

استاد شهید در مرحلهٔ جهاد مسلحانه برضد تجاوز و اشغال بر اساس این قاعده ای فقهی " یختار اهون الشرین" (سبک ترین شر را باید برگزید) راه جهاد را بر می گزیند.

رهروان راه استاد با ایمان به حقانیت این راه شعار بحران زدایی و اعتماد سازی را در این مرحلهٔ حساس از تاریخ کشور رهچراغ راه خویش قرار داده و در عین حال از مراکز تصمیم گیری در پیوند به قضایای سرنوشت ساز کشور، مجدانه می خواهند، تا از هر عملی که منجر به دامن زدن آتش نفاق و بحران در میان ملت می شود برحذر باشند و سعی به خرچ دهند که در نقش زمینه سازان وفاق ملی کار نمایند. به باور ما این یگانه راهی خواهد بود در مقابله با بحران های احتمالی پس از ۲۰۱۴

ما در سطح قضایای ملی و بین المللی به مقتضای این حدیث پیامبر: «بشروا و لاتنفروا» (مژده دهید و مردم را از خود دور نسازید) و این سخن مشهور که می گوید: «بدل ان تلعن الظلام اشعل شمعهٔ» (عوض نفرین به تاریکی ها شمعی روشن نمایید)، گام برداشته و نیز از همه نهاد های ملی مدنی دعوت می کنیم که در راه تحقق اهداف ملی خویش، بر داشته های خود متکی باشند تا بر امکانات دیگران، زیرا با حضور نیروهای بین المللی و تمویل بیگانگان سخن زدن از استقلال، حاکمیت ملی معنی خود را از دست می دهد.

این ضرب المثل عربی بر این حقیقت تاکید داشته که می گوید: «من یاکل عیش الخواجهٔ یضرب بسیفه» (نان خواجه را می خورد به شمشیر او می زند).

در ارتباط به تأمین صلح در سطح جهانی به این باوریم که تأمین صلح وسایل و ابزار خاص خویش را دارد.

تاکید بر ارزش های حقوق بشر– در این عصری که از مطلق گرائی سخت در گریز است – که به دور از باورهای دینی و انسانی ملت ها در دست اجرا قرار گیرد، حوادثی را در پی خواهد داشت که همین اکنون شاهد آنیم.

آنچه را که امروز در سطح جهانی به چشم سر مشاهده می کنیم در تضاد با اصل صلح باوری قرار داشته و عمل اهانت به مقدسات اسلامی و در راس فیلم اهانت به پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) در ایالات متحدهٔ امریکا را که همین حالا وجدان جمعی مسلمانان را جریحه دار ساخته و منجر به حوادث ناگواری گردیده است، از نظر ما گامی است در راه تشدید بحران ها و بر خورد تمدن ها که در ذات خود چالشی است به جریان اندیشهٔ همگرایی، جهانی سازی و داد و ستد فرهنگ ها. ما در حالی که چنین اقدامی را محکوم نموده و عمل اهانت به پیامبر اسلام را بر خلاف همه میثاق های بین المللی تلقی می کنیم و به خاطر جلوگیری از تشدید جنگ و بر خورد تمدن ها، خواهان آنیم که عاملین این گونه عملکرد ها مجازات گردند. و نیز از سازمان ملل متحد اکیداً می طلبیم که تجاوز به ارزش های دینی ملت ها را به حیث یک جرم بین المللی معرفی نموده و مرتکبین آن در محکمهٔ بین المللی مورد باز پرس و مجازات قرار گیرند. افزون بر آن اگر چنین حملات انتحاری در گوشه های از جهان تشدید می گردد بخشی از آن زادهٔ همچو اقداماتی اسلام دشمنانه است که باید از آن جلوگیری شود.

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در کنفرانس بین المللی به مناسبت نخستین سالگرد شهادت استاد شهید و بزرگداشت از هفتهٔ صلح و وحدت ملی:

تلاش هایی استاد شهید برای صلح، تنها برای تأمین صلح در افغانستان نبود، بلکه برای ثبات منطقه نیز بود



الحمدلله رب العلمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین محمد و علی آله و اصحابه اجمعین

جلالتماب مارشال محمد قسیم فهیم معاون رئیس جمهور، رئیس محترم مجلس نمایندگان، اعضای محترم کابینه، معاون نمایندهٔ خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان، اعضای محترم کور دیپلوماتیک مُقیم کابل، مهمانان و دانشمندان گرانقدر و همکاران عزیز که جهت اشتراک در این کنفرانس تشریف آورده اند؛

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

نخست حضور همهٔ شما عزیزان و بزرگواران را در این کنفرانس بین المللی صلح که به مناسبت نخستین سالروز شهادت استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان و شهید صلح برگزار شده است خوش آمدید می گویم. حضور در این کنفرانس به معنی بزرگداشت از شهید صلح این کشور و حمایت از داعیهٔ صلح خواهی مردم افغانستان است.

یک سال پیش، رئیس شورای عالی صلح افغانستان قربانی یک دسیسهٔ تروریستی شد و این کشور، فرزانه ترین چهرهٔ تاریخ معاصرش را در آستانه روز بین المللی صلح از دست داد که ضایعهٔ بزرگی برای افغانستان و جهان اسلام بود. استاد خوشنام ترین و معتدل ترین چهرهٔ سیاسی در تاریخ افغانستان است.

اعتدال و میانه روی استاد در حالی که او در اوج بحران، رهبری مردم افغانستان ـ در دو مبارزهٔ دشوار و طاقت فرسا را – برعهده داشت، نکتهٔ قابل دقت است. چون رعایتِ اصلِ اعتدال در مواقع بحران و نابسامانی، فرهیختگی بیشتر می خواهد.

جهاد مردم افغانستان در برابر تجاوز ارتش شوروی سابق تنها برای پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور شان نبود، بلکه این مردم، با ایستادگی در برابر سیل ویرانگر اتحاد جماهیر شوروی، خط مقدم جبهه جامعهٔ بشری علیه کمونیزم بین المللی شدند و به قیمت خون شان افسانهٔ شکست ناپذیری کمونیزم را غلط ثابت کردند.

چنانچه آغاز شکست کمونیزم نیز از همین سرزمین و توسط مبارزانی رقم خورد که استاد شهید، رهبری بخش بزرگی از آن راست قامتانِ مبارز را به عهده داشت. بنابر این، خدمات مردم افغانستان در جهت نجات بشریت از شر هیولای کمونیزم در تاریخ مبارزاتِ ارزشمند بشری فراموش نخواهد شد و در قلب تاریخ زنده خواهد ماند.

نمونهٔ دیگری از خدمات مردم این سرزمین برای جامعه بشری، که به رهبری شهید صلح شکل گرفت، ایستادگی در برابر تروریزم است. در شرایطی که افغانستان پس از شکست دادن کمونیزم در گیر جنگ تحمیلی و طاقت فرسای دیگری شد، بی توجهی جامعهٔ جهانی به افغانستان، این کشور را در کام تروریزم فرو برد، اما مردم افغانستان با درک مسؤولیت انسانی خویش، در برابر تروریزم و هم پیمانان شان مقاومت کردند.

متأسفانه در آن زمان، دریافت های دولت اسلامی افغانستان و جریان مقاومت ملی به رهبری استاد شهید را از تروریزم، جامعهٔ جهانی جدی نگرفت، و بعد ها وقتی آماج هدف هراس افگنی قرار گرفتند، تهدید تروریزم درک شد و به ماهیت آن پی بردند. بناءً ده سال مقاومت ملی در برابر مداخلات منطقه ای و تروریزم، نمونهٔ دیگری از خدمات مردم این سرزمین به جامعه جهانی است.

به همین دلیل فقدان مردی که زعامتِ بخشِ بزرگی از جهاد مردم افغانستان در برابر کمونیزم و رهبری یک دههٔ مقاومت ملی در برابر هراس افگنی را بر عهده داشت و در سال های اخیر برای صلح در افغانستان می تپید، ضایعهٔ بزرگ و جبران ناپذیر است.

استاد شهید همانگونه که از لحاظ باور و اندیشه، یک شخصیت اعتدال گرا بود، در زندگی عملی سیاسی اش نیز نمونه ای از یک رهبر مدبر و خردمند بود و هیچ گاه اصل اعتدال را فراموش نکرده بود. اما استاد شهید، همزمان بر اینکه به اصل اعتدال و روابط نیک با جامعهٔ جهانی تاکید داشت، حفظ استقلالیت افغانستان را نخستین شرط برای هرگونه رابطه می دانست.

شهید صلح با وجود موجی از مخالفت ها برای دیدار با ریگان ـ رئیس جمهوری وقت امریکا ـ به واشنگتن سفر کرد، خطاب به ریگان گفت که، ما از حمایت جهانی از روند مبارزهٔ مردم برضد کمونیزم استقبال می کنیم، اما اجازه نمی دهیم مثل کنفرانس یالتا، برای آیندهٔ افغانستان نیز دیگران تصمیم بگیرند.

تلاش هایی که استاد شهید برای صلح انجام می داد، تنها برای تأمین صلح در افغانستان نبود، بلکه برای ثبات منطقه نیز بود. زیرا استاد شهید بر اساس تجربهٔ نیم قرن مبارزهٔ سیاسی، پیوسته تأکید می کرد ـ و باور داشت که امنیت در افغانستان ضامن ثبات در منطقه است.

او در گذشته ها نیز بارها بر این مسأله تأکید کرده بود، اما برخی ها در منطقه، چندان به این واقعیت، یا پی نبرده بودند و یا هم به دلایل و انگیزه های مختلف نمی خواستند تن به این حقیقت بدهند. اما تجربه های بعدی نشان داد که آتش بی ثباتی در افغانستان، مرز های این کشور را در می نوردد و دامنگیر دیگران نیز می شود.

استاد شهید باور داشت که صلح در افغانستان همانگونه که نیاز منطقه ای است، به همیاری و همکاری مشترک منطقه ای نیز نیاز دارد، زیرا ریشه های بحران در کشور عزیز مان، سال هاست که در بیرون از مرز های جغرافیایی ما شکل گرفته و از همانجا آب می خورد.

ما که راه استاد شهید را ادامه می دهیم، نخست بر اصل گفتگو و مصالحه به عنوان یگانه راه حل بحران در افغانستان تأکید می کنیم و در گام نخست همانگونه که استاد شهید باور داشتند، ما نیز باور داریم که صلح در افغانستان به همکاری جهانی به ویژه منطقه ای نیاز جدی دارد.

اگر این همکاری جدی صورت نگیرد، به یقین بحران بی ثباتی، بد امنی و وضعیت اسفباری که اکنون در افغانستان و دور و بر ما حاکم است، بیشتر دامن گُسترانیده و جاهای دیگری را نیز خطرناک تر از قبل در کام خود فرو می برد.

استاد شهید باور داشت که بخشی از بحران در افغانستان و منطقه، ریشه در افراط گرایی ای دارد که در خدمت حلقات شرارت پیشه قرار گرفته است. استفادهٔ ابزاری از این پدیده نه تنها برای جامعهٔ اسلامی بلکه برای کل جامعهٔ بشری خطرناک است. به همین دلیل بود که در اولین کنفرانس بیداری اسلامی در تهران، استاد شهید از تهدیدی سخن گفت که خطر جدی برای جامعهٔ اسلامی محسوب می شود. او گفت که افراط گرایی ای که انسان کشی را تجویز می کند، به شدت جوامع اسلامی را تهدید می کند و از علمای مسلمان خواست تا در برابر این پدیده بایستند.

ما که در مسیر رهبر شهید حرکت می کنیم و تحقق بخشیدن آرزو های او را داریم، از علمای امت اسلامی می خواهیم که با پدیدهٔ افراطیت در سطح جهانِ اسلام که سال هاست افغانستان را در آتش می سوزاند، برخورد روشن و قاطع داشته باشند.

برای نیل به این اهداف انسانی، شورای عالی صلح یک سلسه ابتکارات را رویدست داردکه آغاز آن کنفرانس امروزی است که امیدوارهستیم با استفاده از نظریات شما بتوانیم گام های بعدی را سنجیده برداریم و از همکاری همهٔ شما در این راه خیر مستفید شویم.

در اخیر یکبار دیگر ضمن اظهار سپاس از اشتراک همهٔ شماعزیزان، امیدوار هستم که در این کنفرانس بحث های سازنده و آموزنده در مورد پروسهٔ صلح و آوردن صلح در افغانستان صورت گیرد. همچنان امیدوارم که این کنفرانس آغاز خوبی برای حمایت بیشتر و همه جانبهٔ کشورهای منطقه و جامعهٔ جهانی از داعیه صلح خواهی مردم افغانستان باشد.

و اقول قول هذا استغفرالله لی ولکم ولسایر المسلمین

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

در کنفرانس بین المللی نخستین سالگرد شهادت استاد برهان الدین ربانی و هفتهٔ صلح و وحدت ملی؛

سخنرانان به صلح پایدار تأکید نمودند

ادامه از صفحهٔ اول

زیر بنا و بنیاد یک جامعهٔ سالم، امنیت، آرامش و صلح می باشد و تا زمانی که امنیت برقرار نشود، جامعه روی آرامی و پیشرفت را نخواهد دید.

به باور آقای فهیم هرگونه تلاش در راستای صلح باید با در نظرداشت حفظ دستاوردهای ده ساله و ارزش های مردم افغانستان، صورت بگیرد. وی تصریح کرد: طالبان و سایر جناح های درگیر که خواهان صلح می باشند، باید قانون اساسی افغانستان را بپذیرند درغیر این صورت هیچ صلحی برقرار نخواهد شد و جنگ همچنان ادامه می یابد.

معاون اول رئیس جمهور، تشکیل یک نیروی خوب و نیرومند را یکی از عوامل اجبار مخالفان به پذیرش صلح عنوان کرد و افزود که، صلح با گدایی و خیرات طلبی به میان نمی آید. او تأکید کرد که مسائل افغانستان رابطهٔ مستقیم با قضایای کشورهای منطقه ای و بین المللی دارد.

معاون رئیس جمهوری در سمینار بین الملللی صلح هشدار داده که اگر کشورهای منطقه برای تأمین صلح در افغانستان همکاری نکنند، ناامنی ها دامن آن کشورها را هم خواهد گرفت.

*

صلاح‌الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح هم در سخنان خود تأکید کرد که **ریشه های ناامنی ها در خارج از کشور است.** آقای ربانی هم خواستار همکاری کشورهای منطقه در راستای تامین امنیت و صلح در افغانستان شد و هشدار داد که اگر این کشورها همکاری نکنند، بحران ناامنی منطقه را فراخواهد گرفت. که متن کامل سخنرانی صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح را در صفحهٔ سوم همین شمارهٔ مجاهد می خوانید.

*

استاد عبد رب الرسول سیاف یکتن از رهبران جهادی و عضو مجلس نمایندگان گفت: استاد ربانی از اوایل جوانی به جهاد فکر می کرد و اولین حلقهٔ تحریک اسلامی را به نام نهضت جوانان افغانستان تشکیل داد. وی افزود: استاد ربانی در دوران جهاد، همیشه در کنار مجاهدین بود اما **مظلومانه ترین دوران زندگی استاد ربانی دوران ریاست جمهوری اش بود که از روز اول تا اخر در رنج و عذاب بود.**

استاد سیاف خطاب به جامعهٔ جهانی گفت: جامعهٔ جهانی و امت مسلمه به شمول جمهوریت های که تحت تسلط شوروی سابق بودند، باید همه ممنون جهاد و احسان مجاهدین افغانستان باشند.

استاد سیاف سرچشمهٔ حرف های آزادی خواهی در دنیا را از قیام رستاخیز مردم افغانستان دانست و ادامه داد، ما خوشحال هستیم که به برکت جهاد اسلامی ما بسیاری از ملت های مظلوم دنیا آزاد شدند و امروز از نعمت خود مختاری و آزادی برخوردار هستند.

وی خطاب به جامعهٔ جهانی گفت، سال های قبل از شکست اتحاد شوروی را به یاد بیاورید، که **سالانه چقدر پول از بودجهٔ سالانهٔ خود را مصرف مقابله با توطئه های کاذب می کردید و با پیروزی جهاد افغانستان چقدر زمینهٔ پس انداز پول های هنگفت برای تان فراهم شده است.**

او با اشاره به با فعالیت های استاد شهید گفت: استاد برهان الدین ربانی از جمله شخصیت هایی بود که مجاهدین افغانستان را یاری کرد و این مجاهدت وی از زمان تحصیل در دانشگاه کابل علیه بی عدالتی و ظلم آغاز شد.

*

رئیس حزب عدالت در ترکیه: **جهان اسلام باید در برابر توطیه ها متحد شوند، کنفدریشن ها را بسازند، نهاد ها را تقویت کنند، ارتش مشترک بسازند، زیربناهای اقتصادی بسازند، بازار مشترک داشته باشند.** او افزود، زمان درگذر است باید امت اسلامی پا به پای زمان حرکت کند و از زمان عقب نماند. رهبر حزب عدالت ترکیه افزود، در عین حال در برابر آنانی که با سلاح می آیند و قصد کشتن ما را دارند، مانعی آنان شویم و ظالم و مظلوم را تشخیص نماییم.

*

نمایندهٔ کشور لبنان شیخ دکتور عبدالناصر جبریل گفت: **امروز من از مردی صحبت می کنم که مجاهد زندگی کرد و مردگش همراه باشهادت بود (عاش مجاهداً و مات شهیداً)** او افزود، قاتل استاد شهید از اهل اسلام نبود، بلکه او از فرزندان عبدالله بن سبای منافق بود.

*



در این نشست بین المللی پیام دبیر کنفرانس کشورهای اسلامی توسط نمایندهٔ خاص آن آقای منیر الزمان به خوانش گرفته شد. در پیام تصریح شده بود که باید **پروسهٔ صلح توسط خود افغان ها به پیش برده شود و در این امر کشورهای اسلامی و همسایه ها این کشور را کمک کنند.**

*

نمایندهٔ کشور هندوستان در این کنفرانس صحبت کرد، او از استاد ربانی به عنوان شخصیت بی بدیل یاد کرد و افزود که، **شهید ربانی جایگاه خاص در قلب من داشت.**

نمایندهٔ کشور هند گفت: برای این که افغانستان از حالت نجات یابد سه گزینه را باید مردم این کشور در سر لوحهٔ کاری خود قرار بدهند که آن عبارت از ساختن ارتش منظم، استخراج منابعی زیر زمینی به ویژه آهن حاجی گک و تقویت احزاب سیاسی می باشد.

*

محمود خان اچکزی رهبر حزب عوام ملی پاکستان طی سخنرانی گفت: کشور من پاکستان همواره تلاش نموده است تا در امور کشور تان مداخله کند. او گفت اسنادی دارم که ۳۰ سال پیش احزاب اسلامگرای پاکستان به دستور آی اس آی برنامهٔ ویرانی افغانستان را طرح ریزی نموده بودند. او در این مورد از احزاب، جماعت اسلامی و جمعیت علمای پاکستان نام برد.

*

سفیر جامعهٔ اروپا در افغانستان: **از دست دادن استاد ضایعهٔ بزرگ برای افغانستان و منطقه بود.** او افزود که ما آماده ایم تا برای ملت افغانستان خدمت کنیم، او تصریح کرد که مشکلات و چالش ها در پیش رو زیاد داریم، اما با همکاری ها می توانیم از عهده آن برآییم.

سفیر جامعهٔ اروپا با تأکید بر این که سعی می کنیم پیش از سال۲۰۱۴ با این همه مشکلات فایق آییم افزود، اتحادیهٔ اروپا ۶۵ میلیون یورو را در بلند بردن ظرفیت افغانستان متعهد شده است. به گفتهٔ او صلح و ثبات در افغانستان صلح در منطقه و جهان است.

*

افراسیاب ختک گفت: کسی که استاد ربانی را شهید کرده فکر می کردم که پروسهٔ صلح را از بین برده است، اما این کنفرانس نشان داد که میلیون ها ورثهٔ استاد متعهد هستند، تا پروسهٔ صلح را تعقیب کنند. **افراسیاب ختک برای مذاکره، عبور از سه مرحله را پیشنهاد کرد. مذاکره بین الافغانی، مذاکرات منطقه ای و مذاکره جهانی.**

*

محمد اکبری عضو مجلس نمایندگان در رابطه به شهادت استاد برهان الدین ربانی، رئیس پیشین شورای عالی صلح گفت: شهادت این شخصیت بزرگ و برجستهٔ جهادی فاجعه و اندوه بزرگی را بر مردم افغانستان تحمیل کرد. این عضو ولسی جرگه، استاد برهان الدین ربانی را یک شخصیت بین المللی پنداشته، تصریح کرد، جهانیان استاد برهان الدین ربانی را به عنوان یکی از بنیان گذاران جهاد و نهضت اسلامی در افغانستان دانسته بودند و **شهادت وی تأثیرات زیادی بر عملکردهای شورای عالی صلح در کشور برجا گذاشته است.**

وی همچنان درمورد علل و عوامل شهادت استاد ربانی با آنکه از گروه یا افراد خاص در خارج و یا در داخل کشور نام نبرد، تصریح کرد، **در شهادت رئیس جمهور اسبق افغانستان دست های خارجی دخیل بوده و این دست ها با همکاری برخی از خائنین داخلی کار کردند و دست به چنین عمل ناجوان مردانه زدند.**

آقای اکبری می گوید: استاد ربانی از شخصیت های تأثیرگذار در روند صلح افغانستان بود، وی توانست مجاهدین را روی محوریت واحد جمع کند و مخالفین را متقاعد به صلح در افغانستان کرده بود که خشم دشمنان جهاد و آزادی مردم افغانستان بر انگیخته شد و وی را به شهادت رساندند.

*

واقف حکیمی به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان ضمن تشکر و خیر مقدم به مهمان خارجی پیرامون ویژه گی های شخصیت استاد صحبت کرد و با ذکر مثال ها افزود، **استاد به وحدت جامعه، تربیت نسل جوان، داشتن دولت ملی، استقلالیت در تمام عرصه ها، به کار حزبی و سیاسی و مبارزهٔ فرهنگی باور کامل داشت.**

*

عبدالله انس الجزایری داماد شیخ عبدالله عزام یکتن از مبارزان فلسطینی در این کنفران سخنرانی جالب داشت: او گفت استاد ربانی را که من از سالیان گذشته می شناختم، با عبدالله عزام، در علم، حلم، جهاد، هجرت و صلح صفات مشترک داشتند. او گفت من به برکت این دو مرد بزرگ احمد شاه مسعود را شناختم. او گفت، **بعد از ۱۳ سال خواستم به افغانستان بیایم و در سوگ کسی سخن بگویم که شهادتش قلب امت مسلمه را محزون ساخته است.**

*

دنیس هاخی نمایندهٔ ایرلند شمالی، کشوری که منازعه را پشت سر گذشتانده و به صلح دست یافته اند گفت: در حال حاضر بسیاری از افغان ها تشنهٔ صلح هستند و همین حالا فرصت خوبی برای تأمین صلح در این کشور است.

او افزود، ما می‌خواهیم تجارب خود را برای تأمین صلح در ایرلند شمالی، با مردمی که در وضعیت جنگی به سر می‌برند، شریک کنیم.

آقای دنیس هاخی از تجربه های عملی مردم خود گفت: **ما مشکلات را در چهارچوب یک روند حل کردیم، روندی که در آن، با حقیقت ها رو به رو شدیم، تصمیم قاطع گرفتیم و گام های مشخص و رو به جلو برداشتیم.** وی در ادامه افزود، نخست ما این را پذیرفتیم که تفاوت ها در هر جامعهٔ معمول است. اما هر گروه باید به عقاید، هویت و فرهنگ سایر گروه ها احترام بگذارند. این اولین توافقی بود که ما به آن دست یافتیم. گام دوم این بود که ما گفتیم، همه گروه های مهم باید در روند صلح دخیل باشند. زیرا شما نیاز ندارید که با دوستان خود صلح کنید، وقتی صلح می‌کنید حتما طرف مقابل شما، دشمن قرار دارد و شما مجبورید که برای آوردن صلح، با دشمن بنشینید. توافق سوم این بود که همه گزینه ها باید روی میز باشد و همه باید بتوانند نظریات خود را ارائه کنند.

*

بدین گونه کنفرانس بین المللی صلح که به مناسبت نخستین سالگرد شهادت جانگدار رهبر فرزانهٔ جمعیت اسلامی و رئیس پیشین شورای عالی صلح تدویر یافته بود با طرح سوالات، جمع بندی کنفرانس توسط رئیس شورای عالی صلح و دعائیه خیر توسط محترم قاضی امین وقاد عضو شورای عالی صلح، شام آن روز پایان یافت.



دیداری با استاد

عین الدین نصر ولوالجی

روزی، روزگاری بود، موشک باران های گلب الدین حکمتیار نفسکی و جان و تنِ مردم زار و ناتوان باقی نگذاشته بود. مسلمانی مسلمانی را می کُشت. گرویده یی، گرویده یی (مومنی) را به دیار نیستی می فرستاد؛ مجاهدی، مجاهدی را نابود می کرد. همرای یکی از عزیزان به دیدن استاد ربانی رهبر جهاد، ابر مرد میهن پرست، شهید راه حق و داد که در آن وقت رئیس جمهور کشور مان بودند، رفتم.

هدف از رفتنم به پیشگاه استاد و رجاوند به دست آوردن مشوره و یافتن توان مالی برای انتشار مجله یی زیر نام دبستان قرآن بود. به راستی، جهاد مردم کشورم، جهاد مقدس بود. اما، پس از پیروزی، جهاد اکبر به باد فراموشی سپرده شده بود. این، انگیزهٔ نخستین برای ایجاد دبستان قرآن بود. دو دیگر، بی مهری ها، بیدادی ها، و مال یتیم خوری های برادران پدرم بودند که مرا بیشتر و بیشتر خویشتن شناس ساخته بود. ایشان، با داشتن هزاران هزاران جریب زمین باغ و جایداد، کفی خاک از من دریغ می داشتند؛ با وجودی که ایشان نماز می خواندند و به حج می رفتند؛ به گفته یی فرهیخته یی، زیر ایمان شان کفر نهفته بود. اینهم انگیزهٔ دیگری در به میان آوردن دبستان قرآن بود.

به هر روی، به همین فکر به سوی زیرکوه خانه های خیرخانه رفتیم. در آن هنگام نشستگاه استاد آنجا بود. خوشبختانه، زودتر ما را پذیرفتند. شادروان استاد شهید ما را به پیشانی باز و لبِ خندان پذیرا شدند. من در یک پهلوی استاد شهید نشستم و همراه عزیزم، آقای عبداللطیف پدرام، در پهلوی دیگر ایشان نشست. جناب استاد به سان یک پدر مهربان که با فرزندانش بیرون از تکلف سخن آرای می آید، به لطف و مهربانی دُرِ سخن را کشودند. کشور خدای بخشنده و دلسوز با شکیبایی، بردباری و دقت به سخنان ما گوش فرا می داشتند. ایشان از شنیدن اندیشه های ما بسیار خوش می شدند؛ یا به برخی از آنها مهر تأیید می نهادند، یا در کاربرد برخی دیگر رهنمایی می کردند.

استاد بزرگوار، در جریان گفتگو به من گفتند: «نصر، می شنوم اقتصادت ضعیف است، روزگار را به مشکل می گذرانی، چیزی بنویس تا برایت کمک مالی بنمایم.» گفتهٔ ایشان را نپذیرفتم و گفتم – استاد محترم، قناعت وقار منش و پوشاک زیبای تن من است. در درازای زندگانی رنجبارم چیزی را بدون مزد و بیرون از دسترنج مفت به دست نیاورده ام. مفتخواری خوشم نمی آید. به ایشان گفتم پیشنهادهایی دارم. اگر این پیشنهادها به خویشتن جامهٔ کار کرد بپوشید و اگر در اجرای یکی از آنها به من استواری بدهید، آن زمان به دست آوردن مال و دارایی به روی این سخن زربار «نابرده رنج گنج میسر نمی شود – مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد» برای من آرامبخش و دلپذیر است. استاد ربانی، از این دلیری من بی آنکه خمی به ابرو آورده باشند به پیشنهاد من با بردباری مدبرانه گوش می دادند.

پیشنهادها به قسم زیرین ارایه شده بودند:

۱- گفتم – از پامیر تا ینگی قلعه، جنگل ها دوباره زنده شوند، زیرا در روزهای جهاد مقدس همه درختان جنگلی از بین رفته اند، چیزی که مانده بود، استفاده جویان پله بین آن را ، از بیخ و بن کنده و برده اند. به شوخی گفتم، پس از آن روزها، نشانی از جانداران آزاد پر و آزاد پای هم دیده شده نمی تواند؛ حتی از غوغای سگان کولان نیز خبری نیست. استاد، از این گفتهٔ اخیرم تبسم ملیحی کردند. کولان، دهکده یی است، در جنوب خاوری شهرک چاه آب جایگاه دارد. این دهکده به داشتن سگان رمه و گُرَنده از گذشته های بسیار دور نام آور بود.

۲- گفتم- بند برقی در رود کوچه به میان آید. چون این رود شوخاب و تند سیر است، از ساختن بند ها می تواند سود فراوانی به دست آورد. نخست، از آب آن دشت ها، زمین ها و بیابان ها خشک و بی برزه (لم یزرع) به ویژه دشت شیر ماهی و آبدان میر علم تا استان بلخ را می توان آبیاری کرد و سرسبز نمود و شهرک های نو بنیاد نهاد. مردمانی دهکده های سخت زنده گانی را، که در درواز، راغ ، شهربزرگ و همسان آنها که درجایگاه کوهستانی زندگی می نمایند، شایسته می نماید، شهروند آن شهرک ها نمود. دو دیگر، از فروغبخشی آن می شود استان های شمالی و حتی همهٔ کشور فروغمند گردد. سه دیگر، از تابش آن کارخانه ها را کاری کرد و از فروغ آن از راه فرستار (صدور) به بیرون از کشور زرکمایی نمود.

۳- گفتم – هستی راه ها در یک کشور از داشته های نیازمندانهٔ آن کشور است. گشایش راه های نو و بازسازی راه های کهنه در کشور سود فراوان و کلانی را در قبال خویشتن دارد. به سخن روشن، راه ها در امر های گسترش بارزگانی، نیرومندی اقتصادی ، ارزش های دانشی، سود آوری جهانگردی آسانی فزایی ارتشرانی (سوق الجیشی) و دیگر نیازمندی های گروه آدمی نقش فراخ ارزنده را بازی می کنند. پس، لازم می افتد، رئیس جمهور ارجمند ما، در امر راه سازی و بازسای و ایجاد راه ها و شاهراه های پاکسار (آسفالت شده) توجهٔ دلسوزانه نمایند.

۴- گفتم- بازگشایی فرهنگستانی از اهم نیازمندی های دانشی در کشور ما به شمار می رود، زیرا هویت راستین دانش در این مرزوبوم خدشه دار است. خدشه دار بدین معناست که پژوهش ها، آموزه ها، بررسی ها، کند و کاو ها و به یک گپ کوتاه، کارهای دانشی، هنری، ادبی و زبانی به روش راستین درست و همه گان پذیر و جهانشمول رو به راه نیست. از همه کرده چهرهٔ تاریخ نویسی و قوم پژوهشی در این کشور زشت و ناخوشایند است. به همین روی تاریخ نویس پیرو سیاست و تکرو دربار به شمار می رود. بدتر از همه، دید زبانی در این کشور نابینایانه و رگمردارانه است. این تنگ پیرامونی راه پیرامون گستر را به سختی گرفته است زیرا آن کوران نمی دانند که زبان مرز سیاسی را نمی شناسد. پس، هستی یک فرهنگستان واقعی در بردارندهٔ واقعیت های زنده و راستین در یک کشور می باشد.

به استاد اندیشمند، پیشهاد نمودم – آن زمانی که فرهنگستان پایه دار هستی خود شود، نخستین کارکرد آن فرودهٔ (مرحله) تاریخ نویسی باشد، زیرا آدمی بی تاریخ انسان نیست. هویت انسان را تاریخ می سازد. همانا، پدر راستین آدمی تاریخ است. تاریخ افغانستان، تاریخ راستین نیست، تاریخ دربارهای قوم گرا و پر از ساخته کاری و دروغپردازی است. شایسته می نماید تا استاد دانشمند، بایگانی وزارت امور خارجه و داشته های بایگانی ملی را به دسترس دانشمندان راستین و میهن پرست بگذارند تا از برداشت داده های آنها تاریخ درستین این کشور را بنویسند. اینجاست تا حقیقت ها نمایان و آشکارا گردند و روشنک فردوسی ارجمند که خود می گوید:

کجا مادرش روشنک نام کرد
جهانرا بدو شاد و پدرام کرد
جایگاه سرچشمه یی خویش را بگیرد.

در انجام، پیشنهاد های سودمند دیگری شده بود که امروز در کانون یادواره هایم جای ندارند، به راه فراموشی رفته اند. اما، اهم پیشنهادها همین است که یادآوری کرده ام.

استاد ربانی، پس از شنیدن پیشنهاد هایم بسیار بسیار خوش شدند و آنها را به پیشانی باز و سیمای رضایتبخش پذیرا شدند، به یاور خود هدایت دادند که روز آدینه استاد را به خانه بیاورند تا در باره بیشتر گپ زده شود و تصمیم گرفت اید بدبختانه، از آن روز به پس آدینه ها آمد و رفت، استاد را دیده نتوانستم. کسی هم به سراغم نیامد تا مرا پیش استاد ببرد. روزان و شبان در رفت و آمد بودند. کیبل خان هم آمد و کارهای نیازمندانهٔ خود را، انجام داد و زمین سوخته را به بار آورد، بازهم به دیدار استاد رسیده نتوانستم.

در فراق رهبرم (شهید صلح)

عبدالبصیر صهیب صدیقی

او در عصر حاضر سرود بدر را بی هراس، رساء و پرطنین گفت و از صبر أحد آموزه ها داشت، از شهید و شهادت گفت و در معامله و تجارت با الله تبارک و تعالی به عهدش وفا کرد و با کاروان شهداء پیوست زیرا که از تبار آنان و هم عهد و هم پیمان آنان بود.

در تب و تاب رومی سوخت و گداخت و در حیرت آباد فارابی مسکن گزید و هم نشین او شد و در سیاست تحمل پیشه کرد و جنگ هفتاد و دو ملت را عذر نهاد و بر افسانه سازی های شان لبخند زد.

هم پیمانان جان باخته و راستینش، دیکتاتور لگام گسیخته را در لیبیا سرنگون کردند، در مصر قاهره میدان تحریر همسفران متعهدش خون آلود حرکت جهنده و شتابان به سوی نور یعنی آزادی داشتند و این حرکت میمون و مبارک هنوز هم حماسه آفرین است و در سوریه به رنگ سرخ شهادت تزئین شده است.

لالهٔ سرخ صحرای شهادت مبارکش آزاده و زیبا نشانی از بهار عشق و مستی و نشاط دارد و این عشق و نشاط و مستی در تحرک روزانه اش، در تبسم لبان ذاکرش، در نگاه های چشمان نافذش قابل روئت بود.

چراغ فهم تفسیر قرآن مجید به دست داشت و به نبرد با تاریکی ها و تاریک اندیشان، در آوردگاه های علمی و رزمی صادقانه شتافت و قافلهٔ نور و راستی را در محدودهٔ به نام افغانستان رهبر شد.

شهادت مبارکش درد و الم و رنج ملتی و امتی است که به سان اشکی داغ و گرم از چشم یتیمی و خانوادهٔ شهیدی فرو چکید و چون لعل بدخشان برداشته شد و بر خاتم و تاج تاریخ گذاشته شد تا زیب و زینت مبارزات آزادی خواهی در امتداد تاریخ باشد.

تبسم برلب، سلام بر زبان شهادت مبارکش به وقوع پیوست و به راستی که او شهید صلح است.



رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

*وحید مژده

طبق معمول همه ساله، رئیس جمهور کرزی امسال نیز جهت اشتراک در شصت و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد عازم نیویارک گردید. سال گذشته همزمان با سفر حامدکرزی به نیویارک، استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح به شهادت رسید و در نتیجه رئیس جمهور مجبور شد تا سفر خود را نیمه تمام بگذارد و خود را به کابل برساند.

رئیس جمهور سه شنبه بیانیهٔ خویش را در مجمع عمومی ایراد کرد. وی در این سخنرانی از شورای امنیت این سازمان تقاضا نمود تا نام های رهبران طالبان را از لیست سیاه حذف نماید تا زمینه برای مذاکرات رویاروی به منظور صلح میان طالبان و حکومت افغانستان مساعد گردد.

اکنون سوال اینست که با حذف نام رهبران طالبان از لیست سیاه، آیا آنان حاضر خواهند شد تا به مذاکره با حکومت افغانستان تن در دهند؟ این سوالی است که جواب به آن نیاز به تحلیل دقیق تر از مطالبات طالبان دارد. مطالبات طالبان برای مذاکره شامل سه اصل عمده است:

- خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان
- آزادی زندانیان طالب از زندان های تحت کنترل امریکا
- حذف نام رهبران طالب از لیست های سیاه امریکا و سازمان ملل متحد

شرط مذاکره بعد از خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان را می توان به این شکل حل کرد که نیروهای خارجی در قدم اول تاریخ خروج کامل نیروهای شان از افغانستان را مشخص سازند. وقتی این قدم برداشته شود، کمیسیون ارتباط که طالبان برای مذاکره با دولت افغانستان و اپوزیسیون سیاسی حکومت به وجود آورده اند، فعال خواهد شد. این کمیسیون در آغاز سال ۲۰۱۲ به میان آمده است که ریاست آن به عهدهٔ ملا محمد حسن سابق وزیر خارجهٔ طالبان می باشد. معاون این کمیسیون مولوی شمس الدین از بدخشان است که سابق والی طالبان در ولایت میدان وردگ بود. بنابراین تا زمانی که نیروهای خارجی، تاریخی برای خروج کامل خویش تعیین نکرده اند و ادامهٔ حضور شان بعد از سال ۲۰۱۴ نیز همچنان در ابهام باقی باشد، امکان مذاکراتی که به اجازهٔ رهبری طالبان صورت گیرد، نه تنها دشوار است بلکه، با توجه به انعطاف ناپذیری طالبان، ناممکن به نظر می رسد.

مسئلهٔ آزادی زندانیان طالبان نیز تاکنون از جانب امریکا جدی گرفته نشده و به همین دلیل طالبان مذاکرات با امریکا در قطر را به حالت تعلیق درآوردند. حکومت افغانستان تلاش دارد تا کنترل زندان بگرام را به دوش گیرد و از این راه موقعیت خود را در ذهن طالبان تقویت نماید و از خود یک چهرهٔ مستقل به نمایش بگذارد، اما به نظر می رسد با وجود تلاش های حکومت افغانستان، امریکایی ها کلید بخشی از زندان را به حکومت افغانستان سپرده اند اما کنترل آن را همچنان خودشان به عهده دارند.

اما در مورد حذف نام رهبران از لیست سیاه این سوال مطرح است که تقاضای رئیس جمهور کرزی شامل کدام رهبران طالبان خواهد شد؟ شکی نیست که منظور رئیس جمهور کسانی است که درگیر جنگ اند.

از جنگ امریکا در افغانستان یازده سال سپری شد. در طول این مدت حتی در مورد آن رهبران طالب که به حکومت افغانستان پیوسته بودند نیز پروسهٔ حذف نام به سهولت امکان پذیر نشد و این کار سال ها به طول انجامید. حتی در مورد کسانی که مرده بودند اما نام های شان شامل لیست سیاه بود نیز همین مشکل وجود داشت. در طول این مدت به جز از یک استثنا، نام هیچ یک از رهبران طالب حتی آنهایی که کشته شده اند نیز از لیست سیاه حذف نشد. ملا آغاجان معتصم تنها کسی بود در شرایطی که رهبری طالبان هنوز وی را از عضویت شورای مرکزی عزل نکرده بود، امریکا نامش را از لیست سیاه حذف کرد. او مدعی است که رهبری جناح طرفدار صلح در تحریک طالبان را به عهده دارد.

بنا براین تقاضای حامد کرزی از شورای امنیت مبنی بر حذف نام رهبران طالبان که درگیر جنگ اند با مشکلات زیر مواجه است:

۱- اگر منظور رئیس جمهور، حذف نام طالبانی باشد که در کابل اند، این کار در گذشته هم صورت گرفته و در جهت ترغیب طالبان به مذاکرات صلح تاثیری نداشته است.

۲- اگر منظور آن رهبران طالبان باشد که در زندان بسر می برند، در این مورد هم موقف طالبان روشن است که گفته اند، زندانیان از آنان نماینده گی نمی کنند.

۳- تاکنون نام هیچ رهبر طالب درگیر جنگ، از لیست سیاه حذف نشده و این کار به یک تصمیم مهم در سطح جهانی نیازمند است.

۴- شرط اول طالبان مبنی بر اعلام رسمی تاریخ خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان به جای خود باقیست و تا آن شرط عملی نشده باشد، حتی در صورت حذف نام نیز آنان را به مذاکره ترغیب نخواهد کرد.

۵- پروسهٔ حذف نام از لیست سیاه حتی در مورد افراد عادی نیز زمانگیر بوده است چه رسد به آنهایی که درگیر جنگ اند. این درحالیست که تا سال ۲۰۱۴ زمان زیادی باقی نیست.

رئیس جمهور روز چهارشنبه در نشستی با سران کشورهای انگلستان و پاکستان، روی مسایل مورد علاقه به خصوص همکاری های مشترک در امر مبارزه با تروریسم صحبت داشت. مقامات وزارت خارجهٔ افغانستان این نشست سه جانبه را یک تحول مهم در جهت حل مشکلات افغانستان خوانده اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد امسال برای افغانستان با یک جریان دیگر همزمان است. وزارت خارجهٔ افغانستان به خاطر حملات راکتی پاکستان به مناطق مرزی این کشور، روز پنجشنبه ۳۰ سنبله از پاکستان به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرده است.

در شرایطی که ماه هاست مناطق مرزی افغانستان مورد حملات موشکی و توپخانه از جانب پاکستان قرار دارد، شکایت افغانستان به شورای امنیت باید نقطهٔ اوج بحران در روابط میان دو کشور تلقی گردد و نباید افغانستان قبل از اینکه شورای امنیت در این مورد فیصله ای صادر نماید، با پاکستان در نشست سه جانبه شرکت کند. این نشست می تواند شکایت افغانستان به شورای امنیت را کاملاً بی اثر سازد.

اما به نظر می رسد که این شکایت فقط جنبهٔ تبلیغاتی داشت. بعد از اینکه وزرای دفاع و داخلهٔ کشور به خاطر عدم عکس العمل مناسب در قبال این حملات از جانب ولسی جرگه سلب صلاحیت شدند، فشار ها بر وزیر خارجه نیز افزایش یافت و گفته شد که شاید وی نیز برای استیضاح به پارلمان احضار گردد. بنا براین زلمی رسول چاره ای نداشت جز اینکه قضیهٔ شکایت افغانستان از پاکستان را به شورای امنیت ببرد. این درحالیست که تعدادی از کشور های عضو دایمی شورای امنیت در افغانستان نیرو دارند. رسانه ها در افغانستان نوشتند که شورای امنیت این شکایت را جدی نگرفته است و افغانستان نیز نمی خواست این مسئله بر روابط میان افغانستان و پاکستان تاثیر منفی بگذارد. مقامات افغان در مورد مذاکرات سه جانبه ابراز امیدواری کرده اند که پاکستان در این مذاکرات با صداقت بیشتری در امر مبارزه با تروریسم وعدهٔ همکاری بدهد.

جالب اینست که قبلاً کانگرس امریکا ادامهٔ کمک این کشور به پاکستان را به مبارزهٔ قاطع پاکستان در مبارزه علیه تروریسم مربوط ساخته بود و به صراحت گفته بود که دیگر امریکا به پاکستان چک سفید نخواهد داد اما پاکستان با بستن راه اکمالاتی ناتو به افغانستان، واضح ساخت که امریکا در این منطقهٔ حساس از جهان قادر نخواهد بود کاری را بدون خواست پاکستان انجام دهد. کانگرس امریکا در تصمیم اخیر خویش، قطع کمک به پاکستان را رد کرد که این مسئله پیروزی بزرگی برای پاکستان است. درحالی که افغانستان خواستار این بود تا پاکستان از جانب امریکا زیر فشار های بیشتر قرار گیرد.

این نظر بارها ابراز گردیده تا زمانی که مراکز تروریسم در آنسوی سرحد فعال است، امکان رسیدن به صلح در افغانستان ممکن نیست اما اکنون خبر از طرحی در میان است که به موجب آن باید امنیت تعدادی از سران طالبان که تمایل به صلح دارند، تامین گردد. جزئیات این طرح هنوز مشخص نیست و انتظار نمی رود تا بعد از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری امریکا مشخص گردد.

حامدکرزی در بیانیهٔ خویش مسئلهٔ حملات راکتی پاکستان به افغانستان را به صورت جدی مطرح نکرد. در این اواخر شایعاتی به گوش می رسد که امریکا و پاکستان روی یک طرح جدید صلح برای افغانستان کار می کنند. روزنامهٔ واشنگتن پُست در این مورد نوشته است که، به موجب این طرح، تعدادی از طالبان که خواهان صلح اند، به پروسهٔ صلح خواهند پیوست و این کار به همکاری پاکستان صورت خواهد گرفت.

هرچند می توان خواست رئیس جمهور کرزی برای حذف نام رهبران از لیست سیاه را قدمی در جهت آنچه که ایجاد فضای اعتماد میان دو طرف خوانده می شود دانست اما این اعتماد فقط می تواند بعد از تحقق شرط اول طالبان که خروج نیروهای خارجی از افغانستان است، کارآمد باشد.

شهید صلح روحت شاد باد

محمد هادی حسینی غزنوی

تاریخ شاهد است و نسل ها یکی بعد دیگر به خاطر خواهند داشت که روزی و روزگاری در یک گوشهٔ زمین خدا مردانی در برابر طاغوت های زمان، چون کوه استوار می ایستند. پایمردی و مردانگی این ابرمردان در عرصهٔ مبارزه و جهاد باعث می شود تا ملت های مظلوم و محروم راه را از چاه تشخیص دهند و بسیج شوند و در برابر قدرت های استکباری زمان مبارزه نمایند. جهاد و مقاومت جانانهٔ ملت افغانستان در قرن بیست و یک از محدود پدیده های بزرگ تاریخی است که تحت رهبری و زعامت شخصیت مشهور علمی، متفکر حلیم و صبور چون استاد فقید تشکل یافت. به دفاع و مقاومت بزرگ سراسری تبدیل شد در حالی که این نبرد تا برابر دو دهه تجاوز (شوروی تا پدیدهٔ سیاه تروریزم) بسیار سنگین و طاقت فرسا بود وتحت رهبری خردمندانهٔ استاد شهید به سرحد پیروزی و شکست مفتحانهٔ تجاوزگران سرخ و سیاه انجامید.

استاد شهید بیشتر از پنجاه سال مبارزهٔ خستگی ناپذیرش برای تحقق دو هدف عالی (جهاد در راه خدا و تأسیس دولت اسلامی) تاکید داشتند. که پیروزی را در این باب شاهد بودیم.

آنچه در مورد استاد شهید باورها را قوت بخشید، انتقال قدرت بود که در شرایط دشوار باهمه دور اندیشی برای افغانستان بعد از جنگ، که مهم و حیاتی پنداشته می شد و انتقال متمدنانهٔ قدرت بود که زمینه را برای دستاوردهای امروز مساعد ساخت.

استاد شهید اخیراً برای تحقق داعیهٔ بزرگ صلح، تلاش زیادی به خرچ داد و در رأس شورای عالی صلح دستاوردهای زیادی داشتند که دشمن از این بیم سراسیمه شد و دستان ناپاک تروریستان بین المللی در لحظاتی که کشورما سخت نیازمند رهبری چون استاد شهید بود، به شهادت رسانیدند. به روح پر فتوح استاد شهید دعا می فرستیم و تعهد می سپاریم که تا پای جان راهت را ادامه می دهیم.

روحش شاد و یادش گرامی باد

فتنهٔ پوشیده و آشکار



نوشتهٔ همنوا

شانزده سال قبل، لشکر طالبان، کابل مرکز افغانستان عزیز را اشغال کرد. این لشکر کوچک که روز به روز بزرگ شده می رفت و با بستن مدارس مذهبی در پاکستان، به لشکر بزرگ و تهاجمی مبدل گردیده بود، از شرق و جنوب افغانستان و به کمک استخبارات نظامی منطقه، کابل را مورد هجوم قرار داد و سران دولت اسلامی افغانستان که هر لحظه خطر مرگ و نابودی هموطنان، دغدغه و تشویش شان بود، کابل را به یکبارگی ترک گفتند و در شمال کشور رحل اقامت گزیدند.

پنج میزان ۱۳۷۵ روز سقوط کابل، عقب نشینی نیروهای دولتی به شمال کابل و در واقع روز مرگ آزادی و حقوق بشر بود. ادارهٔ جدید روی کار آمد که نه شکل حکومت را داشت و هم در اکثر مواقع، فاقد دفتر و دیوان و رسمیات بود...

این اداره به ظاهر توسط کسی رهنمایی می گردید که در کندهار اقامت گزیده و بعد ها این اداره به ریاست شورای وزیران در کابل واگذار شده بود ولی در نهایت امر، توسط همان ملای کندهاری رهبری می گردید. لشکر طالبان به یک حکومت قانونی و مشروع در کابل پایان داد، حکومتی که همه زعمای مجاهدین در آن سهم داشتند و در مواقع حکومت با پایه های وسیع بود. دولت اسلامی افغانستان که در ظاهر به حکومت مجاهدین شهرت یافته بود، در واقع حکومت وسیع همهٔ اقشار جامعه بود که حتی بقایای رژیم سابق به دلیل عفو عمومی، در آن سهم داشتند حتی افراد بی طرف و یا وابسته به حکومت سلطنتی و داوود خانی نیز در کنار آن بود.

لشکر طالبان با یورش بر کابل بی دفاع، آخرین مهرهٔ رژیم های کودتایی و باز مانده از تجاوز شوروی یعنی داکتر نجیب الله را از دفتر ملل متحد که در آن پناهنده بود، بیرون کشیده و با برادرش در چوک آریانا به دار آویختند. این عمل، خلاف موازین پذیرفته شدهٔ بین المللی و قاعده و اصول شریعت بود.

دولت اسلامی افغانستان در نظر داشت که با تشکیل شورای ملی، در مورد سرنوشت داکتر نجیب نیز تصمیم گرفته شود. دولت اسلامی به ملل متحد احترام داشت و هرگز معترض دفتر آن نگردید...

ادارهٔ کابل تحت رهبری ملاعمر آخند قرار داشت و کدام منصب و سمت دولتی برای او در نظر نگرفته بودند... چند سال بعد در نمایشی به نام شورای علماء در کندهار، برای او امیرالمومنین نام دادند.

احکام ادارهٔ کابل، اکثر توسط پرزه های کوچک کاغذ، صادر و فرستاده می شد و دفتر و دیوانی به این مناسبت وجود نداشت. والیان و ولسوالان نیز با تبدیلی ماموریت خویش، تمام آشنایان خود را به نام ادارهٔ فلان ولایت، همه را باخود می بردند...

گرچه اکثر طالبان عمدتاً از کندهار و هلمند بودند و از یک قوم نمایندگی می کردند اما مهره های نیز از اقوام دیگر را در جمع خود، صرف برای نمایش داشتند....

گروه طالبان، شعارهای فریبنده و به ظاهر شرعی می دادند و تعدادی از مردم ما که در اثر نفاق و جنگ قوماندان ها به ستوه آمده بودند و یا پاتک ها داشتند و... همه از ظهور طالبان استقبال کردند و ایشان را همراهی می نمودند... دولت اسلامی افغانستان با اطلاع از مبارزهٔ طالبان در برابر فساد، باز نمودن راه و خلع سلاح های قوماندان ها، بر آنان آفرین گفت و از اقدامات آن ها ستایش کرد. در آن زمان گفتگو میان دولت اسلامی و گروه طالبان در جریان بود، تعداد از علمای افغانستان که در ترکیب دولت اسلامی، حضور داشتند، از سوی دولت برای مذاکره با طالبان سفرها داشتند و یا اکثر مواقع تماس تلفنی و مخابره ای میان هردو طرف ادامه داشت.

زمانی که طالبان در هرات یورش بردند، همگان متحیر گردیدند و شک و شبهات زیاد در مورد طالبان پیدا شد. در هرات زمان امیر اسماعیل خان، شریعت اسلامی نافذ بود و در تمام اداره اعم از زن و مرد، از اصول و تعالیم اسلامی، دفاع می نمودند. با حمله در کابل، فتنهٔ پوشیده ، آشکار گردید و دولت نیز کابل را تخلیه کرد. طالبان، مراکز دولتی را برای خواهران بستند و از ورود خواهران به مکاتب جلوگیری نمودند... آزادی بیان و مطبوعات که در دولت اسلامی رواج یافته بود، همه ممنوع گردید و حتی نشرات تلویزیون نیز قطع شد...

دولت اسلامی، باب مذاکره و گفتگو را با طالبان قطع نکرد بلکه، در جاهای مختلف، هیأت دولت اسلامی با گروه طالبان، مذاکراتی داشتند...

مذاکرات در اسلام آباد، عشق آباد و تاشکند ادامه یافت ولی هرگز طالبان حاضر نشدند تا به سوی صلح نزدیک شوند...

طالبان با هریک از مذاکرات، تهاجم و یورش را در مناطق مردم بی دفاع گسترش می دادند...

سرانجام مردم تصمیم گرفتند تا به صورت جمعی در برابر طالبان قیام نمایند و بسیج مردمی نیز برای تقویت اردوی دولت اسلامی تشکیل گردید.

ادارهٔ طالبان را فقط پاکستان، امارات و عربستان سعودی به رسمیت شناختند و هرگز در جامعهٔ جهانی پذیرفته نشدند...

ادارهٔ طالبان، تعداد کثیری از مردم را وادار به مهاجرت کرد. تعدادی از مردم کابل و ولایات به پاکستان رفتند و برخی به اروپا، امریکا و آسترالیا پناهنده گردیدند... بدون شک که هزاران افغان رانده شده از ادارهٔ طالبان، به کشور های غربی رفتند و در جمع مردم آن دیار عمدتاً از دین و تعالیم اسلامی بی بهره ماندند! این یکی از خطرات مهم ادارهٔ طالبان در کابل بود که متوجه نسل های امروز و فردای کشور ما می گردد... تعلیم و تربیه به صفر نزدیک شده می رفت... هزاران خواهر افغان از سواد و تعلیم بی بهره شدند و کشور ما هر روز به بی کفایتی و سوء مدیریت و وابستگی به دیگران، نزدیک شده می رفت...

تسلط طالبان، یک فتنهٔ خوابیده و بالآخره آشکاری بود که روح و روان مردم ما را اذیت کرد و دورهٔ سیاه و ننگین در تاریخ افغانستان را رقم زد.

محمد مرسی در مقر سازمان ملل متحد:

جنگ سوریه تراژدی عصر است باید متوقف شود



محمد مرسی رئیس جمهور مصر نخستین بیانیهٔ خود را در مقر سازمان ملل متحد ایراد نمود. مرسی در بیانیهٔ روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته در اجلاس اسامبلهٔ عمومی ملل متحد روی مسایل مختلف صحبت کرد و اعلان نمود، جنگ که در سوریه جریان دارد "تراژیدی عصر است" و باید متوقف شود.

مرسی افزود: مصر متعهد است تا تلاش های صادقانه را در چهارچوب جهان عرب، کشورهای منطقه و سازمان ملل متحد برای پایان دادن فاجعه در سوریه به کار ببرد. تلاش که وحدت این کشور برادر، شامل همه دسته بندی های مردم سوریه بدون تبعیض نژادی، مذهبی و فرقه یی حفظ شود و سوریه از خطر مداخلهٔ نظامی خارجی که ما مخالف آن هستیم نجات پیدا کند. مرسی تصریح کرد که مصر همچنان متعهد است، تا از ماموریت اخضر ابراهیمی نمایندهٔ مشترک ملل متحد و اتحادیه عرب حمایت نماید.

مرسی رئیس جمهور جدید مصر در بیانیه اش همچنان ایجاد ساختمان های مسکونی را توسط اسراییل در مناطق اشغالی فلسطینی ها محکوم نمود. مرسی تقاضا نمود به فلسطینی ها بدون موافقت نامه یا با موافقت نامهٔ صلح با اسراییل، عضویت ملل متحد داده شود.

مرسی گفت، من تقاضا بر ای یک صلح را دارم که بر اساس آن یک کشور مستقل و دارای حاکمیت فلسطینی ایجاد شود، یک صلحی که در آن امنیت و ثبات مردم منطقه که برای سال ها در تلاش آن هستند به دست بیاید. در عین زمان من می خواهم از حمایت کامل مصر برای دنبال کردن هر نوع اقدامی که فلسطین تصمیم بگیرد در ملل متحد تعقیب نماید، اطمینان بدهم.

مرسی گفت، من از همهٔ شما می خواهم، همچنان که از انقلاب مردم عرب حمایت نمودید، از تلاش های مردم فلسطین که برای به دست آوردن حقوق کامل و مشروع و جهت آزادی و تأسیس یک دولت مستقل مبارزه می نمایند حمایت نمایید.

آقای مرسی همچنان فلم ویدیویی علیه اسلام را که در ایالات متحدهٔ امریکا تهیه گردیده محکوم نمود و گفت:

مصر به آزادی بیان احترام دارد. آزادی که عداوت و نفرت را علیه کسی دیگر تحریک نکند. آزادی که متوجه یک مذهب یا فرهنگ مشخص نباشد. اما نه آزادی بیان که جهالت و عدم رعایت به احترام از دیگران را عمیق بسازد. رئیس جمهور مصر، همچنان خشونت های هفته گذشته را که در کشورهای اسلامی در جواب به پخش فلم ویدیویی رخ داد محکوم نمود. درین خشونت ها حد اقل ۵۱ نفر به شمول سفیر امریکا در لیبیا و سه امریکایی دیگر کشته شدند.

فلم اهانت به پیامبر صلی الله و علیه وسلم...

دیده شد. تعداد از خارجی ها که در بخش های غیر نظامی مصروف کار در افغانستان بودند، کشته شدند.

در فرجام آنچه گفته شود این است که این فلم تحت نام آزادی بیان در امریکا ساخته شده است و احتمال آن می رود که آزادی بیان در امریکا و غرب به پایان خود رسیده باشد؛ زیرا این آزادی شکل لگام گسیخته را به خود گرفته است. این آزادی بیان با کریهه ترین چهره در جهان ظاهر می شود، حتا سلمان رشدی گفته است که وی از نوشتن آیه های شیطانی خود پشیمان نیست، این کار فقط ادامهٔ فعالیت های ضد انسانی سلمان رشدی است که پس از بیست سال راه و رسم آن از سر گرفته شده است. طبل یک چنین آزادی بیان در امریکا و غرب در حقیقت طبل آتش و خون و خشونت برای کشور های اسلامی کوفتن است. در این آزادی که برای دیگران آتش و خون به دنبال دارد، باید تجدید نظر صورت گیرد.

آزادی بیان امروز در امریکا و غرب به یک جنون لگام گسیخته تبدیل گردیده است، که حد و حصر را نمی شناسد. بدون شک غرب و امریکا تلاش دارد تا کشور های اسلامی در یک ناآرامی و تنش دایمی به سر برند و این استادان چهره دست، در مقاطع مختلف، مانند طراحان لباس و خرام و آرایش های زنانه، انگیزه های نا آرامی و خشونت را در این کشور ها طراحی کنند، گاهی به وسیلهٔ زبان، گاهی به وسیلهٔ قلم و بیان و این بار به وسیلهٔ فلم و نمایشات مضحک و غیر انسانی. بدون شک یک چنین حرکت های غیر انسانی خود موجبات تشنجات بین الملل را در میان کشور های اسلامی، غرب و امریکا دامن خواهد زد و این اندیشه های سخیف حاضر نـ[illegible]ـور های امریکایی و غرب، با کشور های اسلامی زبان مشترک پیدا کنند. یک چنین اعمال و حرکات غیر انسانی بدون شک از بدترین جنایات بشری در نوع خود محسوب می شود.

اگر چنین حرکات ضد انسانی از سوی امریکا و غرب تکرار شود، زمینه های مخالفت های فکری میان نهضت های اسلامی، امریکا و غرب کسب وخامت خواهند کرد و کشور های اسلامی با این کشور ها، باور و اعتماد شان را از دست خواهند داد و در نتیجه همگرایی و مرزهای مشترک از میان خواهد رفت و کسانی هستند که از این آب گل آلود در کشور ها و سائر کشور ها استفاده کنند و بر مخالفت خود بر دنیای زور و زر و سرمایه براهین قاطع به دست آرند.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارۀ (۲۶) ۸ میزان ۱۳۹۱ ۱۳ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۳ - 29 September 2012

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

فلم اهانت به پیامبر (ص) و عکس العمل آن در افغانستان و جهان

در شرایطی که امریکا و غرب شعار صلح جهانی و تفاهم بین المللی را شعار می دهد، خود موجب تشنجات و خشونت ها را در میان کشور های اسلامی به وجود آورده است. اخیراً تحت شعار آزادی بیان و استفاده از این واژه در امریکا فلمی "بی گناهی مسلمانان" در این کشور ساخته شد و نظم جهانی و تشنجات بزرگی را در کشور های اسلامی در پی داشت و فریاد های کشور های اسلامی در برابری آزادی بیان در کشور های امریکایی و غربی بی تاثیر بود؛ زیرا هر نوع جنایت تحت نام آزادی بیان در غرب توجیه می شود. گفته می شود که یک جوان مصری قسمت های از این فلم امریکایی موهن را از طریق انترنت به نشر سپرده است، که در پی آن عکس العمل فوری در کشور های اسلامی، عربی، آسیایی و افریقایی را در پی داشته است، نخستین عکس العمل آن در لیبیا رخ داد که در نتیجۀ آن سفیر و سه تن از دیپلوماتان این کشور در نتیجۀ درگیری در سفارت امریکا کشته شدند و ادامۀ این تظاهرات به سایر کشور های اسلامی؛ چون: مصر، اردن، ایران، یمن، پاکستان و... با خشونت همراه بوده است. در اجلاس اخیر سازمان ملل متحد در نیویارک، رئیس جمهور مصر در یک مصاحبۀ اختصاصی با نیویارک تایمز گفته است که: مصر حاضر نیست برای قوانین امریکا حیات ببخشد و این حرکت را برای امریکایی ها شرم آور خواند. احمدی نژاد رئیس جمهور ایران از سازمان ملل متحد به خاطر خاموشی اش پس از نشر فلم ضد اسلامی انتقاد شدید نمود و در بخشی اظهاراتش، برخی از اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد را متهم ساخت که در برابر نشر یک فلم غیر اسلامی خاموشی اختیار کردند. رئیس جمهور پاکستان و افغانستان و برخی از کشور های اسلامی این حرکت غیر اسلامی را که موجب بر هم خوردن تفاهم جهانی می شود، محکوم کردند. در برخی از مناطق جهان این تظاهرات به خشونت انجامیده است؛ طوری که در پاکستان در حدود ۲۰ نفر کشته و تعدادی زخمی شده اند و یک وزیر اسبق کابینۀ پاکستان "بلور" برای قاتل سازندۀ این فلم یک صد هزار دالر امریکایی جایزه تعیین نموده است.

در مقاطع معین امریکایی ها و غربی ها در برابر اسلام به چنین کار های اهانت آمیز دست می یازند؛ طوری که در فرانسه کاریکاتور بر ضد پیامبر اسلام در سال های قبل ساخته شد که با عکس العمل شدید کشور های اسلامی مواجه گردید و در نتیجۀ این اعتراضات اخیر در برخی از کشور ها، سفر دیپلوماتان امریکایی ممنوع گردیده است. نشر و بخش یک چنین فلم غیر انسانی در شرایطی روی انترنت ظاهر می گردد کۀ این سازمان به این نتیجه رسیده است، باید هیچ جنایت کار پناهگاه امن برای خود نداشته باشد، این حرکت بزرگترین جنایت در نوع خود محسوب می شود؛ زیرا پیام آن انتقام، خون و آتش است و عامل ان امریکا و غرب می باشد و سازنده این فلم بدون دغدغه در گوشۀ امن نشسته و، تماشا می کند و قتل بی گناهان را با آزادی بیان پیوند می دهد. به همین اساس امریکا نمی خواهد فردی را به محاکمه بکشاند؛ زیرا آزادی بیان به هر نوعی که باشد، باید حفظ شود ولو به قیمت جان انسان های زیادی منجر گردد؛ در حالی که اهانت و بی حرمتی به مقدسات ملل، آزادی بیان نیست و قوانین بین الملل نیز به آن لحاظ کرده است.

نشر و بخش این فلم، یک بار دیگر آزادی بیان را در نظر افکار عامه به نمایش گذاشت، طوری که امریکایی ها با بخش این فلم تحت نام آزادی بیان خود را برائت می دهند و دیگران را به صبر و تحمل دعوت می کنند و با استفاده از آزادی بیان، محبوب ترین شخصیت اسلام، رهبر و پیشوای آن را مورد اهانت قرار داده است؛ در حالی که تاریخ نشان نداده است که یک مسلمان یکی از پیامبر بنی اسرائیل را مورد بی حرمتی قرار داده باشد؛ زیرا دین اسلام به مسلمانان چنین اجازه یی را نداده است و هدایت دین ما چنین است، تا به ادیان دیگران توهین صورت نگیرد تا دین اسلام توهین گردد. نشر و بخش این فلم موهن در ولایات مختلف افغانستان مخالفت های را به وجود آورد و مناطق زیادی را ظرف چند روز اخیر در شهر و ولایات کشور نا آرام ساخت؛ طوری که در روز های گذشته به مدت چندین ساعت راه مواصلاتی کابل _ جلال آباد به روی ترافیک مسدود گردید و مردم مومند درۀ ننگرهار به این کار اقدام نمودند. در برخی از ولایات کشور این تظاهرات با خشونت همراه بوده و در کیفر خواهی آن؛ طوری که ص۷

په افغانستان کې د چین د...

(چې د نرم سوسیالیزم پلوي وو) او د چین ترمینځه د استراتیژیکي دوستۍ اړیکې وې. او له بلې خوا د هغې فلسفې له مخې چې یو زبر ځواك په سیمه کې له خانه د غټ زبر ځواك له پرمختګ او پیاوړتیا ځخه یقیني ویره لري، چین هم د شوروي لخوا د منځنۍ اسیا د هیوادونو د یو د بل پسې هړپ کولو او بالاخره پدې لړ کې افغانستان ته د راداننګلو وروسته په ویره کې شو چې که له افغانستان ځخه وروسته نوبت پاکستان ته ورسیږي نو د سیمې د هغه مهال امپراتور هیواد (شوروي) پوله به د هند سره ونښلي او د منګولیا په څېر به کشمکشونه د چین جنوب او لویدیځ لوري ته هم سر وتوکوي. نو ځکه یې لاد سرې جګړې په موده کې د پخواني شوروي اتحاد پر خلاف د امریکا سره د استراتیژیکي ملګرتیا تګ لوری وټاکه او د افغان جهاد په لومړنیو کلونو کې د جهاد ملاتړی وګرځیده.

اوس چې د شملې پیړۍ وروستۍ ځلورمه او یا لسیزه کې د کمونیزم فلسفه هډیرې ته لاړه او د پخواني شوروي قلمرو په داخل کې هیوادونه لکه د زنګ وهلي زنځیر په څیر یو له بل ځخه وشلیده او د چین لپاره له دې لورې ګواښ کم شو نو د چین استراتیژیك تګ لوری هم بدلون وموند او د بن د توافقاتو وروسته افغانستان ته د نوي نړیوال نظام په نوم د پانګوال نظام پلوي هیوادونو او یا په بل تعبیر د یوویشتمې پیړۍ ناتوپکنې مخه شوه نو دا ځل هم چین د نرم سیاست تګ لوری غوره کړ او د نړیوالي ټولنې او په ځانګړې توګه له امریکا سره ددغه د ترهګرۍ (؟) پر خلاف نوموړ شوې جګړه کې د ګډو ګټو په پام کې نیولو سره چې ښایي دغه جګړه د چین په ځینو ایالتونو کې د راټوکیدلي اسلامي غورځنګ مخه په دوه اړخیزه ژمنتیا ډب کړي. همکاري وکړه او امریکا ته د چین لخوا ځراغ شین شو.

اوس چې په افغانستان کې لویدیځه نړۍ او په ځانګړې توګه امریکا هم د شوروي په څیر خپلو موخو ته نه رسیدونکې ښکاري او ښایي د جګړې پایله د شلمې پیړۍ دواړو زبر ځواکونو ته په یو ځه توپیر سره یوه شي، نو چین مناسبه ګڼي چې په افغانستان کې پراخه پانګونه آغاز کړي چې ددې پانګونې لومړنۍ کړۍ د لوګر د عینك د مسو پروژه وه چې چینې کمپنۍ یې قرار داد کړی وو او پدې وروستیو کې په دغه ولایت کې د طالبانو د پرمختګ لامله یې کار ټکنی شوی هم دی، څو ورځې وړاندې یو لوړ پوړې چینې پلاوي افغانستان ته راغی او د افغانستان دولت سره یې په ګڼو پروژو کې د پانګونې لپاره د زړه ښه کولو پر بنیاد یو نوی قرار داد لاسلیك کړ چې دا د چین لخوا په داسې پراخه کچه د سرمایه ګذارۍ لومړنی قدم دی. او ښایي د سیمې د دواړو هیوادونو لپاره ګټور هم اوسي: ځکه سره ددې چې د دواړو هیوادونو ترمینځه د بحري لیارې د نشتوالي لامله افغانستان ته د چینې مشینریو رارسول د نورو هیوادونو په څیر د پاکستان له لیارې په لړی واتن وهلو تمامیږي خو بشري ځواك یې ژر رارسیږي او چین ته هم ددې پر ځای چې لیرې افریقایي هیوادونو ته د پانګونې لپاره وغځیږي دا غوره ده چې په سیمه کې نږدې پانګونه وکړي او د افغانستان لپاره یې ګټه پدې کې ده چې له یوې خوا د بیلا بیلو هیوادونو لخوا پانګونه د افغانستان ناپیلي توب لوري ته تګ قوي کوي او له بل لورې د نورو هیوادونو د پانګونې په لیار کې احتمالي ګواښونه هم ښایي کم کړي. چې ډیر ځلې دغه ګواښونه د سیمې د هغو هیوادونو لخوا راولاړیږي چې د چین سره یې اړیکې دا مهال د امریکا او لویدیځې نړۍ په پرتله غښتلي او باوري دي.

او همدارنګه د چین لخوا په افغانستان کې پانګونه ښایي هغه هیوادونه هم یو ځل بیا د خپلو پانګونو دوام ته وهڅوي چې په وروستیو کې په افغانستان کې د امنیتي وضعې د خرابوالي او یا خپلو موخو ته د نه رسیدو لامله یې د پانګونې اراده او پروژې ټکنۍ شوي: ځکه د چین پراخه پانګونه د لویدیځې نړۍ لپاره ګواښ دی.

نو لکه چې هغه مهال د اسلامي او وروسته پاتې نړۍ لپاره د دوه وو قطبونو د شتون توازن په ګټه وو. په همدې توګه په افغانستان کې د مختلفو هیوادونو پانګونه افغانستان لپاره په ګټه ده خو البته په هغه صورت کې چې افغان دولت په بصیرت ولاړ پوخ بیروني سیاست غوره کړي.

کتاب «هم آغوشی مرگبار» به معرفی گرفته شد



کتاب هم آغوشی مرگبار که نویسندۀ آن آقای بروس رایدل امریکایی است و پیش از این به زبان انگلیسی اقبال چاپ یافته بود، توسط آقایان بهار مهر و تابش فروش به تازگی به فارسی برگردان شده است.

کتاب متذکره، دارای ۷ فصل و ۳۱۱ صفحه می باشد، که پنجشنبۀ هفتۀ گذشته (۶ میزان) توسط مترجم، طی همایشی با حضور نویسندگان، فرهنگیان و سخنوران کشور به معرفی گرفته شد.

ترجمۀ این اثر به هدف فهم و شناخت نسل نو از کشور همسایه پاکستان، در چشم انداز سیاست و بازیگران آن در مورد کشورمان صورت گرفته است. در این اثر سعی شده است، تا گفته شود که هم آغوشی امریکا با پاکستان که برایند آن، به تعبیر مترجم "جهاد جهانی" با تبعات ویرانگرانۀ آن در افغانستان، منطقه و حتی جهانِ به دور از حوزۀ تمدنی و جغرافیایی ما می باشد، محک خورده است. این پژوهش نشان می دهدکه چگونه امریکا با آنکه از هم آغوشی با پاکستان ضربۀ سنگین خورده است، اما هنوزهم دارد در روابط با این کشور با دلواپسی ها و نگاه هایی عاشقانه برخورد می کند. این اثر می رساند که نوعی نگاه با پاکستان، ناشی از فقدان یک معشوقۀ صرف و یا به تعبیر سیاسی آن، نداشتن شریک و متحد قوی امریکا در منطقه است.